

خانه‌ی روزانه، خانه‌ی شبانه

اولگا توکارچوک

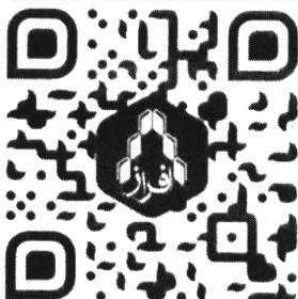
مترجم: مسلم بخشایش

www.ketab.ir



۱۴۰۰

با استفاده از این QR Code می‌توانید به وبسایت افراز و شبکه‌های اجتماعی آن دسترسی پیدا کنید.



afrazbook.com

@afrazbook



66977166 - 66401585



ebook.afrazbook.com

www.ketab.ir

سرشناسه	: نوکار چوک، اولگا، ۱۹۶۲ - م. Tokarzuk, Olga, 1962
عنوان و نام پدیدآور	: خانه‌ی روزانه، خانه‌ی شبانه/اولگا توکار چوک؛ مترجم مسلم بخشایش.
مشخصات نشر	: تهران: افراز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۲ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۳۲۶۵۸۰۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "House of day, house of night, 2003" به فارسی ترجمه شده است.
موضوع	: داستان‌های اهلستانی -- قرن ۲۰م.
موضوع	: Polish fiction -- 20th century
شناسه افزوده	: بخشایش، مسلم، ۱۳۶۱ -، مترجم
رده بندی کنگره	: ۷۱۶۴PG
رده بندی دیویی	: ۸۵۳۷۳/۸۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۶۹۰۸۶



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش: خیابان لبافی‌نژاد، بین ۱۲ فروردین و منیری جاوید، پلاک ۱۷۱،

ساختمان قائم، طبقه اول، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

شماره یخس: ۶۶۴۸۹۰۹۷، ۶۶۴۰۱۵۸۵

وب سایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

اپلیکیشن افراز: ebook.afrazbook.com

خانه‌ی روزانه، خانه‌ی شبانه

اولگا توکارچوک

مترجم: مسلم بخشایش

طرح جلد: زکيه شادمانی

صفحه‌آرا: امید مقدس

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۶-۵۸۰-۶

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	خواب
۱۴	مارتا
۲۰	فلان آقا
۲۳	رادیو نوا رودا
۲۵	مارک مارک
۳۸	خواب‌ها
۴۱	روز ماشین‌ها
۴۲	آموس
۵۹	نخود فرنگی
۶۱	ماهی سلکانت
۶۲	کتاب‌های راهنمای مسافرت به پی‌نتو
۶۲	پای مخملی
۶۵	مزایای قارچ بودن
۶۶	دیوانه‌ی عشق
۶۹	آغاز زندگی کومرنیس
۷۰	کودکی کومرنیس
۷۲	اولین اقامت کومرنیس در صومعه‌ی بندیکتی
۷۲	آغاز دوره‌ی کارآموزی کومرنیس و آماده شدنش برای سرسپردگی به خداوند
۷۵	کومرنیس فرزندان کونراد کارلز برگ را شفا می‌دهد
۷۶	کومرنیس ارواح مریض و رنجور ناشی از قلوب ناپاک را درمان می‌کند
۷۷	کومرنیس برای وفای به عهدش به صومعه بازگشت
۷۷	پدر در پی تصاحب کومرنیس
۷۹	کومرنیس توسط پدرش ربوده شده و زندانی می‌شود
۸۰	دعا و نیایش‌های کومرنیس در حبس

۱۰	معجزه‌ی گومرئیس
۱۱	حضور مجدد شیطان و سه فریبکاری اش
۱۵	نتیجه‌گیری
۱۶	تولیدکننده‌ی کلاه کیس
۹۰	مرز
۹۱	ستاره‌ی دنباله‌دار
۹۳	چه کسی داستان این قاصد را نوشته و او اینها را از کجا می‌داند؟
۱۰۴	مرغ‌ها و جوجه‌خروس‌ها
۱۰۷	خواب‌ها
۱۰۸	یک خواب اینترنتی
۱۰۹	چیزهای فراموش شده
۱۰۹	آلمانی‌ها
۱۱۱	پیتر دبتر
۱۱۲	ریواس
۱۱۹	خلقت و پیدایش عالم
۱۲۰	چه کسی داستان این قدیس را نوشته و او اینها را از کجا می‌داند؟
۱۲۵	کیک چمن
۱۳۱	خواب اینترنتی
۱۳۲	جداول نجومی
۱۳۳	اتش
۱۳۵	چه کسی داستان این قدیس را نوشته و او اینها را از کجا می‌داند؟
۱۴۱	آلرزی چمن
۱۴۳	فرانتس فراست
۱۵۱	همسرش و پسرش
۱۵۴	طرز تهیه‌ی قارچ امانیتا با خامه‌ی ترش
۱۵۵	راه‌های منتهی به مرک مارنا
۱۵۶	بو

۱۵۸	تصور کومرنیس از هیلاریا
۱۶۲	عیند پیکر مسیح
۱۶۳	یک خواب
۱۶۴	هیولا
۱۶۶	باران
۱۶۹	سیر
۱۷۱	ناخن‌ها
۱۷۳	تهان‌بین (غیب‌گو)
۱۸۶	اصفلاجات
۱۸۷	مرد دست دوم
۱۸۹	سفیدی
۱۹۰	جولای پر ماه
۱۹۲	قوهی شنوایی
۱۹۳	چه کسی داستان این قدیس را نوشته و او اینها را از کجا می‌داند؟
۱۹۹	خواب
۲۰۰	قارچ سماروق با خامه‌ی ترش
۲۰۰	طرز تهیه‌ی قارچ سماروق با شراب و خامه‌ی ترش
۲۰۱	موج هوای گرم
۲۰۲	کلمت
۲۰۳	ارگو سام
۲۰۸	اندوه و آن احساسی که از اندوه هم بدتر است
۲۱۵	دو خواب کوچولوی اینترنتی
۲۱۶	اصلاح موی سر
۲۲۰	عمارت
۲۳۰	عمارت من
۲۳۳	پشت‌بام‌ها
۲۳۶	چاقو سزان

مقدمه‌ی مترجم

اولگ توکارچوک در سال ۱۹۶۲ میلادی در یک روستایی در منطقه‌ی سیلسیای سفلی، لهستان، به دنیا آمد. والدین او معلم بودند و در محوطه‌ی همان مدرسه هم زندگی می‌کردند. دوره‌ای که در آن پدر او لگیا کتابدار مدرسه بود. به عقیده‌ی خودش یکی از بهترین دوره‌های زندگیش می‌باشد چراکه در آن دوره به تمامی کتاب‌های مورد علاقه‌اش، شعر، دایره‌المعارف‌ها و رمان‌های ژول ورن و غیره، به راحتی دسترسی داشته است. او در نوجوانی متوجه شد که درکی از بخش بزرگی از دنیا ندارد. او می‌گفت: «همه‌ی چیزهای خوب در بیرون از لهستان هستند. موسیقی خوب، هنر، فیلم و غیره. حتی فکر فرار از اینجا هم دشوار بود زیرا متقاعد شده بودم که باید تمام عمرم را در همین کشور سپری کنم.»

او در پاییز سال ۱۹۸۲ برای تحصیل در رشته‌ی روانشناسی به دانشگاه ورشو رفت. این دانشگاه در زمان جنگ جهانی یک پادگان نظامی بود و خوابگاه‌ش نیز در نزدیکی ویرانه‌های محله‌های یهودی‌نشین قرار داشت. اولگا بعد از فارغ‌التحصیلی (۱۹۸۵) با یکی از هم‌دانشگاهی‌هایش ازدواج کرد و به شهری در نزدیکی وراتسواف رفتند. اولگا همچنین توانست در روانشناسی بالینی که شامل کار با معتادین به مواد و الکل می‌شد تخصص بگیرد. اما پس از چند سال کار در این حرفه و متحمل شدن اطمینات روحی شدید. به این نتیجه رسید که بگوید: «من روان‌رنجورتر از آن هستم که بتوانم یک روان‌درمانگر باشم.»